**درس خارج فقه استاد سید محمد جواد شبیری**

**جلسه242– 21 /12/ 1398 آیه‌ی چهارم سوره‌ی طلاق** **/عده‌ی زنی که رحمش را خارج کرده اند /اقوال فقها در عده/کتاب العدد**

**خلاصه‌ی مباحث گذشته:**

بحث در مفاد آیه‌ی چهارم سوره‌ی طلاق بود.

﴿وَ اللاَّئي‏ يَئِسْنَ مِنَ الْمَحيضِ مِنْ نِسائِكُمْ إِنِ ارْتَبْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلاثَةُ أَشْهُرٍ وَ اللاَّئي‏ لَمْ يَحِضْنَ﴾[[1]](#footnote-1)

سه معنا برای این آیه بیان شد:

1. مراد از يَئِسْنَ مِنَ الْمَحيضِ یاس شخصی می باشد و إِنِ ارْتَبْتُمْ بیان گر شک در یاس نوعی است.
2. آیه بیان گر این معناست: «الیائسة المشکوکة الیاس عدتها ثلاثة اشهر».
3. در صورتی که زن اطمینان دارد یائسه شده است تا زمانی که متعارف افراد اطمینان نداشته باشند، حکم به یائسه شدن نمی شود. یعنی زن در صورتی یائسه می شود که متعارف افراد او را یائسه بدانند. در واقع آیه در مقام تخطئه‌ی اطمینان زن است، گر چه اطمینان اماره‌ی عقلائیه می باشد و حجت است اما شارع می تواند این اماره را نفی کند.

# مطابقت معنای اول با ظاهر آیه

بیان شد معنای اول مطابق ظاهر آیه می باشد.

معنای دوم مطابق ظاهر آیه نیست؛ زیرا فعل «یئسن» ظهور در قطعی بودن یاس دارد و شک نمی تواند شک در یاس باشد.

معنای سوم هم مطابق ظاهر آیه نیست؛ زیرا خیلی بعید است شارع با این آیه، سیره‌ی عقلائی اعتبار اطمینان را ( با توجه به قوتی که دارد) نفی کرده باشد. ارْتَبْتُمْ مربوط به مطلق مخاطبین است؛ زیرا اگر خصوص شوهر باشد وجهی ندارد که اطمینان شوهر ملاک باشد و اطمینان زن ملاک نباشد.

معنای سوم معنای خلاف ظاهر است. این معنا را برای توجیه روایت حلبی که ذیل آیه وارد شده است، بیان کرده بودیم.

# مطابقت معنای اول با کلام مفسرین و فقها

معنای سوم را هیچ یک از مفسرین بیان نکرده اند.

معنای اول را شیخ طوسی در تبیان‏‏[[2]](#footnote-2)، مرحوم طبرسی در مجمع البیان[[3]](#footnote-3) و روشن تر از این دو مرحوم قطب راوندی در فقه القرآن[[4]](#footnote-4) بیان کرده اند.

## مطابقت کلام معاویة بن حکیم با معنای اول و دوم

کلام معاویة بن حکیم ذیل روایتی در کافی آمده است:

حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ سَمَاعَةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: عِدَّةُ الَّتِي‏ لَمْ‏ تَبْلُغِ‏ الْمَحِيضَ‏ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ وَ الَّتِي قَدْ قَعَدَتْ مِنَ الْمَحِيضِ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ.

وَ كَانَ ابْنُ سَمَاعَةَ يَأْخُذُ بِهَا وَ يَقُولُ إِنَّ ذَلِكَ فِي الْإِمَاءِ لَا يُسْتَبْرَأْنَ إِذَا لَمْ يَكُنَّ بَلَغْنَ الْمَحِيضَ فَأَمَّا الْحَرَائِرُ فَحُكْمُهُنَّ فِي الْقُرْآنِ يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ- وَ اللَّائِي يَئِسْنَ مِنَ‏ الْمَحِيضِ مِنْ نِسائِكُمْ إِنِ ارْتَبْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلاثَةُ أَشْهُرٍ وَ اللَّائِي لَمْ يَحِضْنَ‏ وَ كَانَ مُعَاوِيَةُ بْنُ حُكَيْمٍ يَقُولُ لَيْسَ عَلَيْهِنَّ عِدَّةٌ وَ مَا احْتَجَّ بِهِ ابْنُ سَمَاعَةَ فَإِنَّمَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ- إِنِ ارْتَبْتُمْ‏ وَ إِنَّمَا ذَلِكَ إِذَا وَقَعَتِ الرِّيبَةُ بِأَنْ قَدْ يَئِسْنَ أَوْ لَمْ يَئِسْنَ فَأَمَّا إِذَا جَازَتِ الْحَدَّ وَ ارْتَفَعَ الشَّكُّ بِأَنَّهَا قَدْ يَئِسَتْ أَوْ لَمْ تَكُنِ الْجَارِيَةُ بَلَغَتِ الْحَدَّ فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ عِدَّةٌ.[[5]](#footnote-5)

معاویة بن حکیم در مورد یائسه و صغیره، عده را نفی می کند و آیه‌ی قرآن را هم مربوط به صغیره و یائسه نمی داند و یائسه ای هم که قرآن فرموده است با قید «ان ارتبتم» آورده است که عده اش سه ماه می باشد.

معنایی که معاویة بن حکیم بیان می کند با معنای اول و دوم سازگار است.

# مطابقت معنای اول با روایات

طبق روایات موضوع انتفاء عده از یائسه، «التی یئست من المحیض و مثلها لا تحیض» می باشد، یعنی زنِ مایوس از حیض باید امثال او هم مایوس از حیض باشند تا عده بر او واجب نباشد و در صورتی که به سن «مثلها لا تحیض» نرسیده باشد، عده بر او واجب است.

این عبارت از روایت بیان گر موضوع حکم واقعی است که در آیه‌ی چهارم سوره‌ی طلاق حکم ظاهری آن بیان شده است. در واقع آیه بیان گر این است که «مثلها لا تحیض» باید ثابت شود و تا زمانی که حیض دیدن امثال زن مشکوک است، حکم ظاهری وجوب عده برای زن مشکوکة الیاس ثابت است.

این روایات پاسخ به استدلال عامه است که طبق آیه، عده را بر زن یائسه و صغیره ثابت می کنند.

با این توضیحات این روایات مطابق معنای اول می باشند.

# صحیحه‌ی حلبی ذیل آیه

عَلِيٌّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: عِدَّةُ الْمَرْأَةِ الَّتِي‏ لَا تَحِيضُ‏ وَ الْمُسْتَحَاضَةِ الَّتِي لَا تَطْهُرُ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ وَ عِدَّةُ الَّتِي تَحِيضُ وَ يَسْتَقِيمُ حَيْضُهَا ثَلَاثَةُ قُرُوءٍ قَالَ‏ وَ سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ- إِنِ ارْتَبْتُمْ‏ مَا الرِّيبَةُ فَقَالَ مَا زَادَ عَلَى شَهْرٍ فَهُوَ رِيبَةٌ فَلْتَعْتَدَّ ثَلَاثَةَ أَشْهُرٍ وَ لْتَتْرُكِ الْحَيْضَ وَ مَا كَانَ فِي الشَّهْرِ لَمْ تَزِدْ فِي الْحَيْضِ عَلَيْهِ ثَلَاثَ حِيَضٍ فَعِدَّتُهَا ثَلَاثُ حِيَض‏[[6]](#footnote-6)

روایت نمی تواند ناظر به حکم واقعی باشد، حکم واقعی این است که زن باید سه ماه کامل حیض نبیند تا عده اش سپری شود و در صورتی که یک روز مانده به پایان سه ماه حیض ببیند، عده‌ی سه ماهه برای او منتفی است. در نتیجه یک ماهی را که روایت بیان می کند و سپس می فرماید: وَ لْتَتْرُكِ الْحَيْضَ نمی تواند ناظر به حکم واقعی باشد و ناظر به حکم ظاهری است به این معنا که شارع مقدس زنی را که احتمال می دهد حائض باشد، موظف به فحص کرده است که آیا خونی می بیند و در صورت خون دیدن، واجد صفات یا در زمان حیض می باشد؟ اگر یک ماه حیض زن به تاخیر بیفتد، دیگر فحص لازم نیست و حکم ظاهری این است که عده اش به اشهر می باشد اما اگر قبل از پایان سه ماه خونی ببیند که شرعا محکوم به حیض است، حکم واقعی این است که عده اش سپری نشده است و عده اش به قروء می باشد.

## عدم مطابقت معنای اول با صحیحه‌ی حلبی

این روایت با معنای دوم سازگار است. زنی که مشکوکة الیاس می باشد، در صورتی که یک ماه نگذشته است باید فحص کند و حکم ظاهری «ثلاثة اشهر» برای او متعین نشده است. روایت حکم ظاهری آیه را به تداوم شک و استقرار آن پس از یک ماه مقید کرده است.

اما معنای اول که زن یاس شخصی دارد و خود زن و سایرین اطمینان دارند که زن خون نمی بیند و شک در رسیدن به سن یاس می باشد، با روایت سازگار نیست؛ زیرا در این صورت فحص معنا ندارد.

معنای سوم که خود زن مایوس از خون دیدن است اما سایرین مایوس نیستند و احتمال می دهند این زن خون ببیند، امکان سازگاری با روایت را دارد؛ زیرا روایت در این صورت اطمینان زن را تا زمانی که مخالف اطمینان سایرین باشد، حجت ندانسته و فحص یک ماهه را لازم می داند.

### بیان دیگری از صحیحه‌ی حلبی مطابق معنای اول آیه

آیه‌ی چهارم سوره‌ی طلاق می فرماید: زنی که دچار یاس شخصی شده است تا زمانی که یقین ندارد به سن یاس رسیده است، نمی تواند احکام یائسگی را جاری کند. یاس شخصی هم دخالتی در حکم ندارد و آیه هم بیان گر این است که مجرد یاس شخصی کافی نیست؛ بلکه باید یاس نوعی و رسیدن به سن یاس ثابت شود تا احکام یائسگی جاری شود.

موضوع انتفاء عده، یائسگی نوعی و رسیدن به سن یاس می باشد؛ تا وقتی که زن یقین ندارد به سن یاس رسیده است، حکم ظاهریِ عدم یاس جاری می باشد.

در نتیجه با توجه به آیه یاس دخالتی در حکم نداشته و تمام الموضوع ارتیاب است و در صورت ارتیاب، احکام یاس جاری نمی شود.

طبق روایات عده‌ی زن مرتابه سه ماه می باشد و قبل از ارتیاب عده‌ی به قروء هم در مورد او مطرح است که اثر آن لزوم فحص قبل از ارتیاب می باشد.

معنای صحیحه‌ی حلبی این است که ارتیاب در صورتی صدق می کند که یک ماه بگذرد تا دیگر فحص لازم نباشد، البته برای یائسه‌ی شخصی که موضوع آیه می باشد، فحص معنا ندارد اما روایت خصوص آیه را معنا نمی کند.

با این توضیح، صحیحه‌ی حلبی منافاتی با معنای اول آیه ندارد.

1. سوره طلاق، آيه 4. [↑](#footnote-ref-1)
2. [التبيان في تفسير القرآن، شیخ طوسی، ج‏10، ص: 33](http://lib.eshia.ir/12011/10/33/%D8%A8%D9%86%D9%81%D8%B3%D9%87%D8%A7) [↑](#footnote-ref-2)
3. [مجمع البیان، الشیخ الطبرسی، ج10، ص44.](http://lib.eshia.ir/12023/10/44/لکبر) [↑](#footnote-ref-3)
4. [فقه القرآن، قطب الدین راوندی، ج2، ص155.](http://lib.eshia.ir/15342/2/155/بنفسها) [↑](#footnote-ref-4)
5. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج6، ص85.](http://lib.eshia.ir/11005/6/85/جبلة) [↑](#footnote-ref-5)
6. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج6، ص100.](http://lib.eshia.ir/11005/6/100/الریبة) [↑](#footnote-ref-6)